

بررسی عوامل اثرگذار بر سبک زندگی متاهلین در شهر تهران^۱

فاطمه مدیری *

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱)

چکیده

رابطه فعالیت‌های اشتراکی با همسر با پایداری زندگی زناشویی در مطالعات متعدد آزمون و تأیید شده است. بر این اساس، این مقاله به شناسایی عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف با عنوان سبک زندگی متاهلین پرداخته است. جامعه‌ی آماری پیمایش، زنان و مردان متأهل شهر تهران بوده و با استفاده از فرمول کوکران و اثر طرح مطلوب، ۱۷۳۶ نمونه در تجزیه و تحلیل نهایی به کار گرفته شده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده و نمونه‌ها با توجه به جمعیت متاهلین هر منطقه و هر حوزه از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب شده‌اند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه بوده و از تحلیل عامل اکتشافی و رگرسیون چند متغیره در تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در تحلیل عامل اکتشافی ۵ عامل از فعالیت‌های اشتراکی با همسر استخراج شده و پنج فرضیه‌ی اصلی تأثیر ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی، مؤلفه‌های مرتبط با چرخه زندگی، نگرش‌های جنسیتی، متغیرهای زناشویی و تضاد کار با خانواده بر این ابعاد آزمون شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد: فعالیت‌های اشتراکی در مردان، افراد تحصیل کرده، افراد با نگرش‌های جنسیتی برابرطلبانه، افراد همگون‌تر با همسر، بیشتر مشاهده می‌شود. نگرش‌های جنسیتی و همگونی با همسر بر سبک زندگی متاهلین اثرگذاری بیشتری داشته و تأثیر مؤلفه‌های مرتبط با چرخه زندگی اندک است. درآمد، تفاوت در درآمد، تضاد کار با خانواده و مدت زمان زناشویی، نقش دوگانه‌ای در ابعاد مختلف سبک زندگی متاهلین دارند. این متغیرها، بیشترین توان تبیین را در دیدار اجتماعی (۲۹/۵ درصد) و کمترین توان تبیین را در هزینه کرد مالی (۱۰/۳ درصد) دارد. فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف یکسان نبوده و عوامل اثرگذار و شدت تأثیر آن‌ها نیز در ابعاد مختلف متفاوت است. نتایج تحقیق تأیید کننده‌ی تئوری‌های مبادله، سرمایه فرهنگی بوردیو و تئوری‌های اقتصاد خانه‌ی جدید می‌باشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی متاهلین، فعالیت‌های اشتراکی با همسر، گذران زمان اشتراکی، نگرش‌های جنسیتی، همگونی.

۱- این مقاله مستخرج از طرح مصوب مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان سبک زندگی متاهلین و تعیین کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران) می‌باشد که با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۴ اجرا شده است.

* استادیار گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، fateme.modiri@p.sri.ac.ir

مقدمه

در پی تغییرات اقتصادی اجتماعی دهه‌های اخیر، خانواده نیز تغییراتی در ساختار، کارکرد و ابعاد مختلف خود تجربه کرده است که طیف وسیعی از آراء متخصصین و آینده‌نگری‌شان از ثبات و پایداری تا اضمحلال و فروپاشی خانواده را موجب شده است. در زمینه‌ی تغییرات به وجود آمده که احتمال فردگرایی افراطی در خانواده را مطرح نموده و تداوم و پایداری خانواده را به پرسش کشیده‌اند، رصد وضعیت خانواده، بررسی کمیت و کیفیت روابط زوجین و همچنین شناسایی عوامل اثرگذار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اگرچه با ظهور خانواده هسته‌ای امکان ظهور و تجلی صمیمیت و روابط نزدیک میان همسران فراهم‌تر شده و هرچه از عمر خانواده هسته‌ای می‌گذرد، اهمیت این روابط بیشتر می‌شود، اما در عصر حاضر برخی شواهد نشان می‌دهد زوجین در برقراری ارتباط مؤثر و رضایتمند با مشکلات و ناهماهنگی‌هایی روبه‌رو بوده و گسست در روابط میان همسران سیر صعودی دارد. زمانی‌که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی آسیب ببیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند و کاهش تدریجی رضایت‌مندی نیز، موجب گسست عاطفی شده، همگرایی روابط در زوجین جای خود را به واگرایی می‌دهد و در نهایت ممکن است به واقعه‌ی حقوقی طلاق منجر شود و اگر به طلاق نیز نینجامد، فضایی آکنده از دل‌سردی، تأثیرات نامطلوب جسمی و روانی خود را بر همه‌ی اعضای خانواده خواهد گذاشت. در چگونگی روابط زوجین، نتایج متفاوت و گاهی متناقض در پژوهش‌ها به چشم می‌خورد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند تأکید بر استقلال فردی، حفظ حریم خصوصی و خودتحقق‌بخشی در روابط زوجین به شکل روزافزون در حال توسعه است (کالمین^۱، ۲۰۰۱؛ ۶۴۰: به نقل از بلا^۲، مادسن^۳، سولیوان^۴، سوئیدلر^۵، تیپتن^۶ ۱۹۸۵؛ بلومستین^۷ و شوارتز^۸

1- Kalmijn

2- Bellah

3- Madsen

4- Sullivan

5- Swidler

6 Tipton

7- Blumstein

8- Schwartz

۱۳۵ بررسی عوامل اثرگذار بر سبک زندگی متأهلین در شهر تهران

۱۹۸۳؛ بومپس^۱ ۱۹۹۰؛ لستهاق^۲ و میکرز^۳ (۱۹۸۶) و برخی دیگر نشان می‌دهند که فردگرایی افراطی در روابط میان همسران یافته غالبی نیست (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۳۹؛ وایت^۴ ۱۹۸۳).

پژوهش‌های داخلی نیز این دوگانگی را در خانواده ایرانی نشان می‌دهند. برخی بر اهمیت خانواده و بازتولید ارزش‌های خانوادگی تأکید می‌کنند (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰) و برخی دیگر بروز درجاتی از فردگرایی افراطی را نشان می‌دهند (مدیری و همکاران، ۱۳۹۴؛ آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰؛ گرمارودی، ۱۳۸۸؛ سلیمی نیا، ۱۳۸۴؛ محمد، ۲۰۰۸؛ مهدوی، ۲۰۰۸).

از جمله موضوعاتی که به کمک آن می‌توان فردگرایی یا همگرایی در میان زوجین را تخمین زد، سبک زندگی افراد در زندگی روزمره است. کالمین (بر اساس تعریف سوبل^۵ از سبک زندگی) مفهوم سبک زندگی در روابط زوجین را مطرح کرده و آن را فعالیت‌های به اشتراک گذاشته شده^۶ (اشتراکی) زوجین در زندگی روزمره می‌داند (کالمین^۷، ۲۰۰۱). سبک زندگی در بردارنده‌ی طیف کامل فعالیت‌هایی است که در زندگی روزمره انجام می‌شود و در روابط میان زوجین، از جمله راه‌هایی که ایشان می‌توانند رابطه خود را بر اساس آن تعریف کنند شیوه‌ای است که در زندگی روزمره خود ترتیب می‌دهند و آن اشتراک یا تمایز با همسر در فعالیت‌های زندگی روزمره است که سبک زندگی اشتراکی یا متمایز را به وجود می‌آورد.

رابطه‌ی میان ابعاد مختلف سبک زندگی اشتراکی زوجین با پایداری ازدواج و رضایت زناشویی، مکرر آزمون و تأیید شده بوده است. انتخاب سبک زندگی اشتراکی می‌تواند مجموعه خوبی برای ارتباط نزدیک زوجین فراهم آورده (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۴۱؛ به نقل از بوت^۸ و همکاران، ۱۹۸۴؛ هیل^۹، ۱۹۸۸؛ کیم و استیف^{۱۰}، ۱۹۹۱؛ لاکسلی^{۱۱}، ۱۹۸۰؛

-
- 1- Bumpass
 - 2- Lesthaeghe
 - 3- Meekers
 - 4- White
 - 5- Sobel
 - 6- Shared Activities
 - 7- Kalmijn
 - 8- Booth
 - 9- Hill
 - 10- Kim & Stiff
 - 11- Locksley

مک هال و هاستن^۱، ۱۹۸۵؛ ریسمن^۲ و همکاران؛ ۱۹۹۳؛ روگرز و آماتو^۳، ۱۹۹۷؛ سیمسن و انگلند^۴، ۱۹۸۱) و عدم انتخاب آن، نشان از وجود فردگرایی در میان همسران دارد. پژوهش پیرامون روابط میان زوجین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عجین بودن جامعه ایرانی با خانواده ایرانی، همه‌گیر بودن خانواده در ایران، وجود دیدگاه‌های مبتنی بر تحقیقات جوامع دیگر و وجود دیدگاه‌های افراطی و تفریطی در حوزه خانواده لزوم بررسی ابعاد مختلف خانواده را نشان می‌دهد. همچنین ارتباط مؤثر اعضا در خانواده، در شکل‌گیری روابط دیگر اعضای خانواده و شکل‌گیری نظام اجتماعی نقش بسزایی داشته و پیامدهای مثبت و منفی جمعیتی و اجتماعی را به دنبال دارد. بنابراین سلامت، پویایی و کارکرد مثبت جامعه در گرو ارتباط مؤثر زوجین بوده و فردگرایی در روابط آن‌ها می‌تواند موجبات سستی و ناپایداری خانواده و نظام اجتماعی را فراهم آورد. مضاف بر آن، در تحقیقات عمدتاً ازدواج و طلاق، بیش از کم و کیف روابط همسران مورد توجه بوده و جای آن دارد که روابط و پیوندها در خانواده بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. همچنین نتایج این‌گونه تحقیقات می‌تواند راهکارهایی در پایداری زناشویی ارائه داده و در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا از طریق فهم واقعیت‌های اجتماعی، راه بر قضاوت‌های عجولانه و نادرست بسته شود. آگاهی از واقعیت‌های اجتماعی در این حوزه، راه را بر پیامدهای منفی وقوع آن بسته و پیش‌بینی‌های افراطی را محدود می‌کند، و دغدغه‌های عامه مردم و مسئولین و برنامه‌ریزان اجتماعی را تعدیل بخشیده و نظرات افراطی را هدایت می‌کند. در تحقیقات گذشته، خانواده از این دید مورد بررسی قرار نگرفته و در صورت انجام تحقیق، نمایی از روابط زوجین به دست خواهد آمد. همچنین شناخت و معرفی عوامل اثرگذار بر سبک زندگی متأهلین می‌تواند راهنمایی برای زوجین، محققین و برنامه‌ریزان باشد. چنانکه گفته شد سبک زندگی متأهلین در این تحقیق، برگرفته از تعریف کالمین است و با فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زندگی روزمره در ابعاد مختلف تعریف شده که یک سر این طیف سبک زندگی اشتراکی و سر دیگر آن سبک زندگی متمایز را نشان می‌دهد. فرض ما این

1- McHale & Huston

2- Reissman

3- Rogers & Amato

4- Simpson & England

است که فعالیت اشتراکی با فراهم کردن کنش متقابل زناشویی لذت‌بخش، شانس زندگی زناشویی پایدار را فراهم می‌کند. عدم وجود تحقیقات کافی در روابط میان زوجین و وجود دوگانگی در نتایج تحقیقات، سؤال اساسی این پژوهش را مطرح می‌کند که علی‌رغم مطالعات فراوان که نشان از پیامدهای مثبت اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و روانی در انتخاب سبک زندگی اشتراکی دارد، چرا برخی افراد کنش‌های متمایز را بر کنش‌های اشتراکی ترجیح می‌دهند؟ و سبک زندگی در گروه‌های مختلف اجتماعی چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

سبک زندگی متأهلین از منظر جامعه‌شناسی، عمدتاً با تئوری‌های مبادله، سرمایه فرهنگی بورديو، شبکه اجتماعی و تئوری‌های اقتصاد خانه‌ی جدید تبیین شده که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهد شد و سپس پیشینه تحقیق ارائه می‌شود.

تئوری شبکه^۱: تئوری شبکه به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد و ضمن توجه به کل ساخت، الگوی روابط موجود داخل ساخت را نیز بررسی می‌کند. بات^۲ در مقاله خود با عنوان نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی، به شبکه اجتماعی افراد و تأثیر آن بر پذیرش نقش‌ها اشاره دارد. بات نظریه خود را با ترکیب دو مفهوم اساسی تبیین می‌کند: جدایی نقش‌های خانوادگی و اتصال به شبکه اجتماعی. منظور بات از متصلانه بودن^۳، آشنایی و دیدارها با اشخاصی است که یک خانواده با آن‌ها آشناست اما مستقل از خانواده‌اند. شبکه متراکم یا متصل^۴ برای توصیف شبکه‌ای به کار می‌رود که در آن، میان واحدهای تشکیل دهنده روابط بسیاری وجود داشته و شبکه پراکنده^۵ نیز، برای توصیف شبکه‌ای به کار می‌رود که در آن روابط کمی میان واحدهای تشکیل دهنده وجود دارد. زن و شوهری که شبکه‌ی روابط اجتماعی متراکم دارند میزان بیشتری از جدایی نقش‌های زن و شوهر را داشتند و در مقابل زن و شوهری که در یک شبکه اجتماعی پراکنده زندگی می‌کنند، از محیط و دوستان خارج از خانه

1. Network theory

2- Bott

3. Connectedness

4. Close knit

5. Loose knit

کمک و حمایتی کسب نمی‌کنند پس به کمک‌های متقابل به یکدیگر و حتی قبول نقش‌های سنتی یکدیگر مجبور می‌شوند (بات، ۱۹۵۵). بنابراین روابط زوجین، درون خانه به حمایت‌هایی که از شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند بستگی دارد.

تئوری مبادله^۱: فرض اصلی نظریه مبادله این است که انسان با اجتناب از رفتارهای پرهزینه، به دنبال پاداش در روابط، تعاملاتی را انتخاب می‌کند که حداکثر سود و یا حداقل زیان را برای او داشته باشد. ناولز معتقد است در اوقات فراغت نیز هزینه‌ها و پاداش‌هایی که می‌تواند از طریق اوقات فراغت مشترک تحمیل شده باشد توسط همسران بررسی می‌شود. هزینه‌ها شامل پول و زمان است و پاداش‌ها می‌تواند لذت‌های شخصی، ارزش‌ها و یا امور مرتبط با ارزش‌ها باشند (ناولز، ۲۰۰۴: ۶-۲ به نقل از نای، ۱۹۷۹). وی بیان می‌کند: "با توجه به این که میان پیامدها و رضایت رابطه مستقیم برقرار است، بنابراین اگر پاداش بزرگتر از هزینه‌ها باشد، رضایت زناشویی به عنوان نتیجه‌ی فعالیت‌ها افزایش می‌یابد. مقایسه جایگزین می‌تواند پاسخگوی دلیل انتخاب فعالیت انفرادی نسبت به اشتراکی باشد. اگر فعالیت فراغتی بتواند موجب افزایش اعتماد شود زوجین به این فعالیت اشتراکی روی می‌آورند. هزینه و پاداش‌ها می‌تواند در مورد کودکان نیز صدق کند. از آن‌جا که کودکان بزرگسال استقلال بیشتری می‌خواهند بنابراین همسران وقت بیشتری را با هم می‌گذرانند" (ناولز، ۲۰۰۴: ۸).

تئوری سرمایه فرهنگی بوردیو: بر اساس اندیشه بوردیو عادت واره‌ها و به تبع آن‌ها، سرمایه‌های فرهنگی انسان، کنترل کننده و هدایت کننده رفتارها و اعمال وی است. عادت واره‌ها در مرکز سرمایه‌های فرهنگی انسان قرار دارند و در اطراف این عادت واره‌ها، تصورات اجتماعی‌اند که سرمایه‌های فرهنگی انسان آنها را هدایت می‌کند. به عبارت دیگر طبق نظریه عمل بوردیو، سرمایه‌های فرهنگی انسان، راهنمای اعمال و تصورات اوست. فرهنگ، شخصیت، محیط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی فرد در شکل‌گیری اندیشه و تفکر وی تأثیر دارد و در چگونگی شکل‌گیری یا تغییرات تصورات او دخیل است (منادی، ۱۳۸۵).

1.Exchange

2.Knowles

3.Nye

تئوری اقتصاد خانه‌ی جدید^۱: بر اساس تئوری اقتصاد خانه‌ی جدید، اقتصاد سرمایه‌زناشویی ویژه را افزایش و شانس انحلال زناشویی را کاهش می‌دهد. اقتصاددانان به نقش مهم شغل به عنوان عامل انسجام بخش زناشویی با افزایش سود اقتصادی تأکید دارند (هیل، ۱۹۸۸). هیل^۲ در عوامل اثرگذار بر پایداری زندگی زناشویی نشان داده فرزندان از طرفی زمان اشتراکی زوجین را کاهش می‌دهند و از طرف دیگر به عنوان سرمایه‌زناشویی در پیشگیری از انحلال ازدواج کمک‌کننده هستند، بنابراین نقش دوگانه‌ای بازی می‌کنند. همچنین وی می‌نویسد: "اقتصاددانان به نقش مهم شغل به عنوان عامل انسجام بخش زناشویی با افزایش سود اقتصادی تأکید دارند. وی نشان داده در سال‌های اولیه زندگی زوجین تفاوت میان همسران بیشتر است و با گذشت زمان تفاوت‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شوند" (هیل، ۱۹۸۸).

نقش دوگانه فرزندان در پایداری زندگی زناشویی در مطالعات متعدد دیگر نیز مشاهده شده است (هیل، ۱۹۸۸ به نقل از وایت^۳، بوت^۴، ادواردز^۵، ۱۹۸۶؛ گلن^۶، مک‌لانان^۷، ۱۹۸۲؛ هاوسنت^۸، ۱۹۷۹؛ کمبل^۹، کانورس^{۱۰}، رودگرز^{۱۱}، ۱۹۷۶؛ میلر^{۱۲}، ۱۹۷۶؛ فیلی^{۱۳}، ۱۹۷۳؛ ریدر^{۱۴}، ۱۹۷۳؛ فلمن^{۱۵}، ۱۹۷۱؛ هیک^{۱۶}، پلت^{۱۷}، ۱۹۷۱). همچنین برخی نشان داده‌اند، فرزندان با کاهش

-
- 1- New home economic theory
 - 2- Martha Hill
 - 3- White
 - 4- Booth
 - 5- Edwards
 - 6- Glenn
 - 7- MC Lanahan
 - 8- Houseknecht
 - 9- Campbell
 - 10- Converse
 - 11- Rodgers
 - 12- Miller
 - 13- Figley
 - 14- Ryder
 - 15- Feldman
 - 16- Hicks
 - 17- Platt

زمان مشترک و کاهش درجه مصاحبت زوجین موجب نارضایتی زناشویی می‌شوند (کالمین، ۲۰۰۱ به نقل از هال، ۱۹۸۵؛ وایت، ۱۹۸۳) و برخی نیز نشان داده‌اند فرزندان بر زندگی زناشویی تأثیری ندارند (کالمین، ۲۰۰۱ به نقل از کینگستون، ۱۹۸۷).

بکر^۱ و لوئیس نشان داده‌اند که در زوجین با همگونی تحصیلی، رابطه‌ی زناشویی بلند مدت‌تری دیده می‌شود و همچنین همگرایی در سبک زندگی موجب انعطاف‌پذیری در زندگی زناشویی شده و پیشگیری از انحلال آن را به همراه دارد. آن‌ها سبک زندگی را با همگونی در فراغت زوجین، که شامل ۷ فعالیت کار بیرون از خانه، ورزش، تفریحات بیرون از خانه، دیدار همسایه‌ها، دوستان و آشنایان، و تفریحاتی از قبیل نقاشی کردن، عکاسی، رقص، ساخت موسیقی، فعالیت‌های فرهنگی از قبیل اپرا، تئاتر، نمایشگاه و کنسرت، فعالیت‌های سیاسی سنجیده‌اند (بکر و لوئیس، ۲۰۱۰).

کالمین در مقاله‌ی خود با عنوان «سبک زندگی اشتراکی^۲ و متمایز^۳ در روابط زوجین» به بررسی ۱۵۲۳ زوج ازدواج کرده و همزیست در هلند پرداخته و تلاش کرده توضیح دهد چه زوج‌هایی فراغت متمایز دارند و چرا این سبک زندگی را انتخاب کرده‌اند؟ چهار گونه فراغتی دیدار دوستان و اقوام، تفریح، سرگرمی داخلی و خارجی را عملیاتی کرده و به این نتیجه رسیده که مدت زمان زناشویی تعیین‌کننده‌ی مهمی در سبک زندگی به شمار می‌آید؛ بطوری که در اوایل زندگی درجه جدایی بالا بوده و سپس کاهش می‌یابد. داشتن فرزندان وابسته، سبک زندگی متمایز را به دنبال دارد. نقش ارزش‌ها و همگونی زوجین متوسط است. همگونی اقتصادی فرهنگی، سبک زندگی اشتراکی را به همراه دارد، اما این تأثیر زیاد نیست. شرایط نامناسب کار نیز از جمله ساعات کاری زیاد و کار نامنظم نیز تأثیراتی بر سبک زندگی زوجین دارد (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۵۳).

کینگستون (۱۹۸۷)، نیز نشان داده فعالیت‌های اشتراکی زوجین با مدت زمان زناشویی رابطه مثبت دارد. "میلر (۱۹۷۶) رابطه U شکل افزایش روابط در مراحل اول و آخر ازدواج و کاهش روابط را در میانه زندگی زناشویی نشان داده است. کینگستون (۱۹۸۷) و میلر (۱۹۷۶)

1- Becker & Lois

2- Joint lifestyle

3- Separate lifestyle

نشان دادند پایگاه اقتصادی اجتماعی با سبک زندگی اشتراکی رابطه مثبت دارد و بات رابطه کنش‌های اشتراکی را با شرایط محیط کار نشان داده است" (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۴۱-۶۴۰). همچنین فن در بیان عوامل اثرگذار به تحقیق آلن^۱ و همکاران (۲۰۰۰)، متیو^۲ و همکاران (۱۹۹۶)، پری جنکینز^۳ (۲۰۰۰) اشاره کرده که نشان می‌دهند چگونه تضادهای موجود در کار خانواده، می‌تواند در کیفیت و زمان با هم بودن زوجین اثرگذار باشد (فن، ۲۰۰۹).
داردیس نشان داده، درآمد حقوقی سرپرست خانواده و درآمد غیر حقوقی، دو متغیر اثرگذار در فعالیت‌های فراغتی است. سن نیز متغیر اثرگذاری است؛ بطوری که در سنین بالا فعالیت‌های فعال کمتر مشاهده می‌شود. تحصیلات بر گذران فراغت اثر مثبت دارد (داردیس، ۱۹۹۳: ۱۹۹).

لاوی و بن آری^۴ رابطه میان نزدیکی زوجین با استرس‌های مرتبط با کار را در ۱۶۹ زوج شاغل بررسی کرده‌اند. این مطالعه نشان داده که استرس شغلی تأثیری بر روابط نزدیک زوجین ندارد اما واسطه‌ای برای خلق منفی در افراد است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد تأثیر استرس کاری به خلق منفی و همچنین تأثیر منفی آن بر کیفیت زناشویی، فاصله‌ای را ایجاد می‌کند که این فاصله ممکن است بر روابط زناشویی یا بر مکانیسم‌های دفاعی در زمان‌های استرس اثرگذار باشد (لاوی و بن آری، ۲۰۰۷).

در پژوهش‌های داخلی کمتر تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر پرداخته است. صادقی فسائی و ملکی‌پور (۱۳۹۲) در پژوهش کیفی به بررسی یکی از جنبه‌های کنش متقابل زناشویی به نام فاصله با رویکردی جنسیتی پرداخته است. وی نتیجه گرفته که کمبود ارتباطات و فقدان همدلی خصیصه‌ی مرکزی مفهوم سازی زنان از فاصله بود. در مقابل برای مردان کمبود نزدیکی فیزیکی و جنسی به منزله‌ی فاصله درک شد. فرزند از سوئی، به منزله‌ی زاویه سوم، فاصله فیزیکی و عاطفی را از دیدگاه مردان ایجاد کرده و از سوی دیگر نداشتن فرزند به عنوان زمینه‌ای برای شکل‌گیری فاصله عمل می‌کند. بین طول مدت ازدواج با فاصله نیز

1- Allen

2- Matthews

3- Perry-Jenkins

4- Lavee & Ben-ari

ارتباط وجود دارد. دریافت ذهنی مشارکت کنندگانی که کمتر از پنج سال از ازدواج‌شان گذشته بود و همسرشان از پدیده‌ها متفاوت‌تر است و با گذشت زمان، زوجین به تجارب و عادت‌واره‌های یکسان دست می‌یابند. زنان و مردانی که از سطح تحصیلات بالاتر برخوردارند، نقش بیشتری در مدیریت رابطه‌ی زناشویی دارند و از رفتارهای فاصله‌گذار به منظور تعدیل کردن فاصله‌ی بین خود و همسر استفاده می‌کنند. همچنین وی می‌نویسد: "طبق نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی علاوه بر تحصیلات، شامل عادت‌واره نیز هست. از جمله عادت‌واره‌هایی که به اشکال مختلف اختلالاتی در روابط زوجین به وجود می‌آورد، طرح‌واره‌های جنسیتی است. طرح‌واره‌های جنسیتی شبکه‌ی سازمان یافته‌ای از دانش درباره‌ی معنای زن بودن یا مرد بودن است. در خانواده‌های با شبکه‌ی مترکم، تقسیم نقش تفکیکی است و مشارکت کمی میان زن و شوهر وجود دارد. در مقابل در خانواده‌های با شبکه اجتماعی پراکنده به دلیل میزان کم کمک‌های دریافتی همسران از اطرافیان، تقسیم نقش‌های خانوادگی اشتراکی است. روایت زنان و مردان بیانگر این است که آمیختن فرد با زاویه‌ی سوم سبب ایجاد فاصله در روابط زناشویی شده که مطابق با مدل استیفن مارکز است. زنان بر این باورند که شغل همسران رقیب آن‌هاست. مردان نیز در مقابل از این‌که فرزندان توانسته‌اند به شخص اول زندگی همسرشان تبدیل شوند، شاکی بودند" (صادقی فسائی، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش باستانی نیز نشان داده هرچه شبکه‌ها مترکم‌تر باشند، رابطه‌ی زن و شوهر تفکیک شده‌تر خواهد بود (صادقی، ۱۳۹۲: ۶ به نقل از باستانی، ۲۰۰۱). منادی یکی از نکات قابل تعمق در خانواده‌ها را مسأله‌ی زمان با هم بودن اعضای خانواده و انواع فعالیت‌های آن‌ها می‌داند و وجود این تفاوت‌ها را ناشی از طبقه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و تصورات آن‌ها از مسائل مختلف از جمله زندگی می‌داند. وی می‌نویسد: "گفت‌وگو در خانواده ایرانی کم است و طبق نظریه بوردیو، سرمایه‌های فرهنگی نیروی محرکه اعمال اوست" (منادی، ۱۳۸۴: ۱۶۴ به نقل از بوردیو، ۱۹۸۹).

چنان‌که ملاحظه شد در نتایج تحقیقات فوق، تفاوت‌ها و گاه تناقض‌هایی مشاهده می‌شود که می‌توان آن را به تفاوت‌های فرهنگی در جوامع مختلف و همچنین به تفاوت در گروه‌های اجتماعی مختلف نسبت داد. این نتایج اهمیت بررسی پدیده‌های اجتماعی در جوامع مختلف را نشان می‌دهد و این‌که نتایج تحقیقات جوامع دیگر را نباید به جامعه خود نسبت داد. همچنین در مطالعات مختلف دیدیم فعالیت‌های اشتراکی زوجین در ابعاد محدود و به ویژه در

اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفته بود، در حالی که فعالیت‌های اشتراکی میان همسران در ابعاد مختلف و وسیع‌تر از جمله گذران زمان، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی می‌تواند مطرح باشد که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد.

با توجه به تئوری‌های مبادله، سرمایه فرهنگی بوردیو، تئوری‌های اقتصاد خانه‌ی جدید و همچنین پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی می‌توان سبک زندگی متأهلین را متأثر از مجموعه‌ای از عوامل دانست که افزایش دهنده یا کاهش دهنده فعالیت‌های اشتراکی با همسر هستند. بنابراین می‌توان پنج فرضیه اصلی تأثیر ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی (جنسیت، درآمد، تحصیلات)، نگرش‌های جنسیتی، مؤلفه‌های مرتبط با چرخه زندگی (مدت زمان زناشویی، داشتن فرزند)، متغیرهای زناشویی (همگونی با همسر در بدو ازدواج، همگونی با همسر در حال حاضر، تفاوت در تحصیلات، تفاوت در درآمد)، تضاد کار با خانواده بر سبک زندگی متأهلین را مطرح نمود و بر این اساس ۱۱ عامل اثرگذار بر ابعاد مختلف سبک زندگی متأهلین را آزمون کرد. بنابراین در قالب ۱۱ فرضیه تأثیر جنسیت، درآمد، تحصیلات، نگرش‌های جنسیتی، مدت زمان زناشویی، داشتن فرزند، همگونی با همسر در بدو ازدواج، همگونی با همسر در حال حاضر، تفاوت در تحصیلات، تفاوت در درآمد، تضاد کار با خانواده بر سبک زندگی متأهلین طرح و آزمون شد.

روش تحقیق و داده‌ها

این پژوهش، پیمایشی مقطعی با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت، در پی شناسایی تعیین‌کننده‌های سبک زندگی متأهلین است. جامعه آماری این پژوهش نیز، افراد متأهل شهر تهران بوده است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت دارند و ۴۲۶۲۰۴۷ از این جمعیت متأهل هستند (نتایج سرشماری ۱۳۹۰).

با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش، در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شد. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است و با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی‌پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر

1- Design effect

گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵)، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌ها متأهل بوده و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شدند. شیوه‌ی نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای (PPS)^۱ بوده است. به این منظور، ابتدا تعداد متأهلین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴۲۶۲۰۴۷ نفر) را در نظر گرفتیم و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه‌ی هر منطقه را مشخص کردیم. سه گروه سنی زیر ۴۰ سال، ۴۰ تا ۵۴ سال، ۵۵ سال و بالاتر را نیز لحاظ کردیم تا نمونه حتی المقدور معرف باشد. برای دستیابی به نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۱۵۳۹۷۴) که در ۶۰۱۴ حوزه پراکنده‌اند، بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹،۴۸ به دست آمد. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد و سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه دوم انتخاب شد و به همین ترتیب حوزه‌های دیگر انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد. به این ترتیب پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده، در عمل پراکنش متغیرهای تحت مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تأمین می‌کند.

نقشه‌های حوزه‌های منتخب از هر منطقه از مرکز آمار ایران تهیه شد. جهت نمونه‌گیری، پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های منتخب نمونه‌گیری و درب منازل افراد، به جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ی نهایی که بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تأیید شده بود، اقدام کردند. نمونه‌گیری با همکاری بیش از ۱۰ پرسشگر در آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۴ انجام شد. پرسشنامه‌ها توسط مجری طرح بررسی شد، پرسشنامه‌های با بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب و در تجزیه تحلیل نهایی به کار گرفته شد. جهت اعتبار و پایایی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. چنانچه این مقدار بیشتر از ۰/۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۳۵۹). از نسخه ۱۹ نرم افزار SPSS در توصیف داده‌ها و از تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون چند متغیره در تحلیل داده‌ها بهره برده‌ایم.

1- Probability proportional to size

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در آزمون مقدماتی تحقیق دیدیم که افراد متأهل در زندگی روزمره‌ی خود، الزاما اشتراک یا تمایز با همسر را انتخاب نمی‌کنند و بسیاری از افراد میانه این طیف را انتخاب می‌کردند. همچنین بسیاری از افراد در ابعاد مختلف سبک زندگی متأهلین برخوردار دوگانه داشتند. به عنوان مثال، افرادی در گذران زمان در خارج از خانه اشتراک و در هزینه کرد مالی تمایز با همسر را انتخاب می‌کردند و ... بنابراین متغیر سبک زندگی متأهلین در مقیاس لیکرت تنظیم شد. بر این اساس متغیر سبک زندگی متأهلین متغیری فاصله‌ای است که میزان فعالیت‌های اشتراکی با همسر را می‌سنجد و یک سر این طیف، سبک زندگی اشتراکی و سر دیگر آن سبک زندگی متمایز را نشان می‌دهد. بنابراین سبک زندگی انتخابی فرد می‌تواند اشتراکی، متمایز یا بینابینی باشد. چنانکه گفتیم، سبک زندگی متأهلین در این تحقیق به فعالیت‌های اشتراکی با همسر در مقیاس لیکرت اشاره دارد و برگرفته از مطالعه کالمین (۲۰۰۱) است. بکر و لوئیس (۲۰۱۰)، ورگا (۱۹۷۲) و لاکسلی (۱۹۸۰) نیز مفاهیمی مشابه آن را به کار برده‌اند. بر این اساس ۱۹ گویه‌ی فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف زندگی روزمره در تحلیل عامل اکتشافی وارد شد.

متغیر وابسته سبک زندگی متأهلین: ۵ عامل گذران زمان در دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی از ۱۹ گویه‌ی به کار رفته استخراج شد و متغیر سبک زندگی متأهلین مشتمل بر ۵ بُعد به شرح زیر ساخته شد:

- گذران زمان در دیدار اجتماعی: از ترکیب ۴ گویه دیدار با والدین، دیدار با خواهر و برادر، دیدار با اقوام و فامیل، دیدار با دوستان با لحاظ کردن بار عملی هر گویه و با آلفای کرونباخ ۰/۸۰۶ ساخته شد.

- گذران زمان خارج از خانه: از ترکیب ۴ گویه رفتن به رستوران، سینما، تئاتر و ... ، تفریحاتی از قبیل رفتن به پارک و ... ، خرید کردن، رفتن به مسافرت با لحاظ کردن بار عملی هر گویه و با آلفای کرونباخ ۰/۷۲۶ ساخته شد.

- گذران زمان در خانه: از ترکیب ۴ گویه انجام علاقه‌مندی‌ها در خانه، تماشای تلویزیون و ماهواره، گوش کردن به موسیقی، گذران زمان بدون فعالیت خاص با لحاظ کردن بار عملی هر گویه و با آلفای کرونباخ ۰/۸۱۸ ساخته شد.

- گفت‌وگو با همسر: از ترکیب ۴ گویه گفت‌وگو در مورد فعالیت‌های روزانه، گفت‌وگو در

مورد مشکلات شخصی، گفت‌وگو در مورد مشکلات فرزندان، گفت‌وگو در مورد مسائل و مشکلات خانواده پدری با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه و با آلفای کرونباخ $0/770$ ساخته شد. در این بخش‌ها سؤال شد که تا چه حد فعالیت‌های زیر را با همسرتان انجام می‌دهید؟ (همیشه با همسر، اغلب با همسر، تا حدودی با همسر، به ندرت با همسر، هرگز با همسر).
هزینه کرد مالی: از ترکیب ۳ گویه‌ی در خانواده ما پول توسط زن و مرد به طور مشترک نگهداری و خرج می‌شود، در خانواده ما مرد درآمدش را هرطور که می‌خواهد خرج می‌کند، در خانواده ما زن درآمدش را هرطور که می‌خواهد خرج می‌کند، با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه و با آلفای کرونباخ $0/812$ ساخته شد. در این بخش سؤال شد که به گویه‌های زیر پاسخ دهید (اصلاً، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد).

متغیرهای مستقل پژوهش شامل متغیرهای زیر می‌باشند:

نگرش‌های جنسیتی^۱: با گویه‌های سرپرست بودن زنان در محیط کار قابل قبول است (معکوس)، در صورت عدم نیاز مالی زنان نباید بیرون از خانه کار کنند، "بطور کلی مردان نسبت به زنان رهبران سیاسی بهتری هستند"، "تحصیلات دانشگاهی برای مردان مناسب‌تر از زنان است"، "وظیفه زن خانه‌داری و بچه‌داری است"، "مرد باید تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده باشد"، "اگر در خانواده درآمد زن بیشتر از مرد باشد برای رابطه آن‌ها خوب نیست"، پرسیده شده است. این ۷ گویه که در پیمایش‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته و روایی و پایایی آن مورد تأیید است، برگرفته از مطالعات اسپنس و هلمریچ^۲، ۱۹۷۲؛ سوییم^۳ و همکاران (۱۹۹۵)؛ گلیک^۴ و فیسک (۱۹۹۶) بوده و در مقیاس لیکرت پرسیده شده است. از ترکیب این ۷ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه، متغیر نگرش‌های جنسیتی با آلفای کرونباخ $0/887$ ساخته شد.

همگونی با همسر در بدو ازدواج: همگونی با همسر در دو بعد همگونی در بدو ازدواج و همگونی در زمان حاضر برگرفته از پیمایش کالمین (۲۰۰۱) پرسیده شده است: همگونی با

1- Gender Attitudes

2- Spence & Helmreich

3- Swim

4- Glick & Fiske

همسر در بدو ازدواج با ۵ گویه‌ی در زمان ازدواج شباهت شما به همسران در موارد زیر به چه اندازه بود؟ از نظر سیاسی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، تحصیلی. این گویه‌ها در مقیاس لیکرت پرسیده شده است. از ترکیب این ۵ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه متغیر همگونی با همسر در بدو ازدواج با آلفای کرونباخ ۰/۸۴۱ ساخته شد.

همگونی با همسر در حال حاضر: توافق با همسر در حال حاضر با معکوس ۴ گویه‌ی با همسران در ارتباط با خانواده همسر، توقعات همسر، روابط جنسی و مسائل مذهبی به چه اندازه اختلاف دارید؟ در مقیاس لیکرت پرسیده شده است. از ترکیب ۴ گویه مذکور، همگونی با همسر در حال حاضر با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه و با آلفای کرونباخ ۰/۷۴۶ ساخته شد. تضاد کار با خانواده: ۳ گویه در مقیاس لیکرت برگرفته از تحقیق کاپلمن (۱۹۸۳) پرسیده شده است. زمان کار من به قدری زیاد است که به دشواری می‌توانم به مسئولیت‌های خانوادگی پردازم؛ فشار محل کار باعث می‌شود بعضی کارهای خانه و خانواده را ترک کنم؛ به خاطر وظایف شغلی بعضی تفریحات و دید و بازدیدهای خانوادگی را کنسل می‌کنم. از ترکیب این ۳ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه و با آلفای کرونباخ ۰/۹۱۷ متغیر تضاد کار با خانواده ساخته شد. تفاوت در تحصیلات و درآمد: تفاوت در تحصیلات و درآمد از تفاضل تحصیلات و درآمد زن از مرد سنجیده شده است.

مؤلفه‌های مرتبط با چرخه زندگی^۲: شامل مدت زمان زناشویی در مقیاس نسبی، و داشتن فرزند در سطح اسمی است.

تحصیلات: تحصیلات فرد در ۱۱ سطح بیسواد، نهضت/ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم و پیش دانشگاهی، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکترای عمومی، دکترای تخصصی، تحصیلات حوزوی پرسیده شد.

درآمد: در ۵ سطح زیر ۷۵۰ هزار تومان، از ۷۵۰ هزار تومان تا ۲۲۵۰ هزار تومان، از ۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان، از ۳۷۵۰ هزار تومان تا ۵۲۵۰ هزار تومان و بالاتر از ۵۲۵۰ هزار تومان سنجیده شد.

1- Kopelman

2- Life cycle

یافته‌های توصیفی

از ۱۷۳۶ نمونه مورد بررسی ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. در این نمونه ۳۸/۳ درصد از مردان متأهل در دامنه‌ی سنی زیر ۴۰ سال، ۳۶ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۲۵/۷ درصد ۵۵ سال و بالاتر بودند. همچنین ۴۹/۴ درصد از زنان متأهل در دامنه‌ی سنی زیر ۴۰ سال، ۳۴ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۱۶/۶ درصد ۵۵ سال و بالاتر بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نمونه نشان می‌دهد، نمونه بدست آمده نمونه‌ای معرف از جامعه آماری است. به لحاظ وضعیت تحصیلی ۳/۵ درصد از این افراد بیسواد، ۷/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۲ درصد راهنمایی، ۱۱/۲ درصد متوسطه، ۳۲/۲ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۶/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۱/۷ درصد لیسانس، ۴/۲ درصد فوق لیسانس، ۰/۲ درصد دکتری عمومی، ۰/۶ درصد دکتری تخصصی بودند. به لحاظ شغلی بیش از نیمی از افراد شاغل و حدود ۷ درصد بازنشسته بودند. ۵۱/۴ درصد شاغل، ۳۸/۸ درصد خانه‌دار، ۰/۹ درصد دانشجو، ۶/۸ درصد بازنشسته، ۱/۱ درصد بیکار، ۰/۹ درصد دارای درآمد بدون کار، ۰/۱ درصد سایر موارد بوده است. به لحاظ سطح درآمد ۳۸/۸ درصد از این افراد بدون درآمد یا فقط یارانه بگیر بودند. ۴/۲ درصد نیز دارای درآمد زیر ۷۵۰ هزار تومان، ۳۴/۱ درصد درآمد از ۷۵۰ هزار تومان تا ۲۲۵۰ هزار تومان داشتند. ۱۴/۷ درصد درآمد از ۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان داشتند. ۶/۱ درصد درآمد از ۳۷۵۰ هزار تومان تا ۵۲۵۰ هزار تومان داشتند و ۲/۱ درصد درآمد بالاتر از ۵۲۵۰ هزار تومان را گزارش کرده‌اند. جدول ۱ توزیع گویه‌های متغیر سبک زندگی متأهلین را نشان می‌دهد.

بررسی عوامل اثرگذار بر سبک زندگی متأهلین در شهر تهران ۱۴۹

جدول ۱: توزیع درصدی نظر پاسخگویان بر حسب گویه‌های سبک زندگی متأهلین

متغیر	گویه‌ها					جمع		
	تا چه حد این فعالیت‌ها را با همسر خود انجام می‌دهید؟	هرگز با همسر	بندوبار با همسر	تا حدودی با همسر	اغلب با همسر		همیشه با همسر	
	سبک متمایز	سبک بینابینی	سبک اشتراکی	درصد فراوانی	جمع			
دیدار اجتماعی	دیدار با والدین	۲/۶	۶	۱۲/۱	۳۱/۴	۴۷/۹	۱۴۴۲	
	دیدار با خواهر و برادر	۲/۶	۵/۵	۱۱/۴	۲۶/۸	۵۳/۶	۱۶۹۵	
	دیدار با اقوام و فامیل	۳	۵/۳	۹/۸	۲۲/۲	۵۹/۷	۱۶۴۷	
	دیدار با دوستان	۳۵/۲	۱۵/۱	۱۱/۸	۸/۱	۲۹/۸	۱۵۵۶	
نتیجه دیدار اجتماعی						۱۸/۸	۱۱/۳	۶۹/۹
گذران زمان خارج از خانه	رفتن به سینما، تئاتر، ...	۲/۹	۲/۵	۵/۷	۱۶/۷	۲۲/۲	۱۴۳۹	
	فریح و سرگرمی‌هایی مانند رفتن به پارک و ...	۹/۳	۳/۹	۷/۸	۱۹/۹	۵۹/۲	۱۶۴۷	
	خرید کردن	۴/۲	۷/۷	۱۷	۳۹/۸	۳۱/۳	۱۷۱۸	
	رفتن به مسافرت	۱/۵	۰/۸	۲/۸	۱۴/۳	۸۰/۶	۱۶۹۳	
نتیجه گذران زمان خارج از خانه						۸/۲	۸/۳	۸۳/۵
گذران زمان در خانه	انجام علاقه‌مندی‌های خود در منزل	۸/۸	۱۸/۹	۲۷/۵	۲۹/۶	۱۵/۲	۱۶۸۰	
	نمایش تلویزیون و ماهواره	۳	۶/۶	۲۰/۴	۴۸/۱	۲۱/۹	۱۷۱۵	
	گوش کردن به موسیقی	۱۰/۷	۲۲/۷	۲۲/۱	۳۰/۳	۱۴/۲	۱۴۵۰	
	گذران زمان بدون فعالیت خاص	۵/۶	۱۵	۲۴/۴	۲۹/۱	۲۵/۹	۱۶۶۹	
نتیجه گذران زمان در خانه						۲۲/۸	۲۳/۶	۵۳/۶
گفت‌وگو با همسر	گفت‌وگو در مورد فعالیت‌های روزانه	۱۱/۱	۵/۷	۱۳/۶	۲۴/۴	۴۵/۲	۱۷۷۲	
	گفت‌وگو در مورد مشکلات شخصی	۱۰/۸	۵	۸/۷	۲۱/۸	۵۳/۷	۱۷۲۷	
	گفت‌وگو در مورد مسائل و مشکلات فرزندان	۷/۹	۱/۷	۴/۹	۲۲/۶	۶۲/۹	۱۴۶۲	
	گفت‌وگو در مورد مسائل و مشکلات خانواده پدری	۳۹/۳	۱۳/۷	۱۲/۲	۱۳/۳	۲۱/۵	۱۶۰۴	
نتیجه گفت‌وگو با همسر						۲۳/۸	۹/۹	۶۶/۳
هزینه کرد مالی	در خانواده ما پول به طور مشترک نگهداری و خرج می‌شود	۱۸/۶	۱۷/۷	۳۱/۲	۱۵/۱	۱۷/۴	۱۷۳۴	
	در خانواده ما مرد درآمدش را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس انداز می‌کند	۳/۱	۵/۲	۹/۱	۱۹/۲	۶۳/۴	۱۷۳۱	
	در خانواده ما زن درآمدش را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس انداز می‌کند	۶/۵	۱۱/۴	۱۴/۵	۱۸/۳	۴۹/۳	۳۶۷	
نتیجه هزینه کرد مالی						۲۰/۸	۱۸/۳	۶۰/۹

چنان که در جدول ۱ مشاهده می شود ۶۹/۹ درصد از متأهلین شهر تهران در دیدار اجتماعی، ۸۳/۵ درصد در گذران زمان خارج از خانه، ۵۳/۶ درصد از پاسخگویان در گذران زمان در خانه، ۶۶/۳ درصد در گفت و گو با همسر و ۶۰/۹ درصد از پاسخگویان در هزینه کرد مالی، سبک زندگی اشتراکی را انتخاب کرده اند. همچنین، ۱۸/۸ درصد از متأهلین شهر تهران در دیدار اجتماعی، ۸/۲ درصد در گذران زمان خارج از خانه، ۲۲/۸ درصد از پاسخگویان در گذران زمان در خانه، ۲۳/۸ درصد در گفت و گو با همسر و ۲۰/۸ درصد از پاسخگویان نیز در هزینه کرد مالی سبک زندگی متمایز را انتخاب کرده و انتخاب مابقی پاسخگویان سبک زندگی بینابینی بوده است. از یافته های این جدول می توان نتیجه گرفت سبک زندگی اشتراکی، انتخاب غالب افراد متأهل در شهر تهران است؛ بنابراین فردگرایی افراطی در میان همسران یافته غالبی نیست. همچنین فعالیت های افراد متأهل در ابعاد مختلف یکسان نبوده و با کاهش نظارت اجتماعی، افزایش عمق رابطه، افزایش هزینه ها، از افرادی که سبک زندگی اشتراکی را انتخاب کرده اند کاسته شده است. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	انحراف استاندارد	واریانس	مینیم - ماکزیمم
دیدار اجتماعی	۸/۴۳۸۹	۸/۸۷۰۳	۲/۴۴۷۱۲	۵/۹۸۸	۰ - ۱۱/۱۶
گذران زمان خارج از خانه	۸/۱۷۹۰	۸/۷۱۱۰	۱/۶۶۴۸۷	۲/۷۷۲	۰ - ۹/۸۰
گذران زمان در خانه	۶/۸۲۸۵	۶/۹۶۳۰	۲/۴۹۲۵۴	۶/۲۱۳	۰ - ۱۱/۳۸
گفت و گو با همسر	۷/۱۶۱۷	۷/۸۸۰۰	۲/۶۸۶۳۷	۷/۲۱۷	۰ - ۱۰/۵۸
هزینه کرد مالی	۵/۴۹۶۸	۵/۸۶۶۰	۱/۴۱۹۰۸	۲/۰۱۴	۰ - ۸/۱۰
همگونی با همسر در بدو ازدواج	۱۳/۶۹۲۹	۱۴/۳۴۷۵	۲/۸۱۵۶۸	۷/۹۲۸	۰ - ۱۸/۹۸
همگونی با همسر در حال حاضر	۱۲/۳۷۶۳	۱۳/۵۱۷۰	۲/۴۱۹۶۰	۵/۸۵۴	۲/۱۶ - ۱۴/۲۵
نگرش جنسیتی	۹/۶۳۲۳	۹/۹۹۰۵	۶/۸۴۲۷۴	۴۶/۸۲۳	۰ - ۲۶/۳۶
تضاد کار با خانواده	۳/۷۶۲۰	۳/۷۶۲۰	۲/۷۱۶۳۰	۷/۳۷۸	۰ - ۱۳/۳۷

همانطور که در جدول ۲ می بینیم، میانگین ابعاد مختلف سبک زندگی متأهلین بالاتر از میزان متوسط^۱ و تأیید کننده این است که انتخاب اکثر افراد متأهل شهر تهران، سبک زندگی

۱- تفاضل مینیمم و ماکزیمم تقسیم بر ۲

۱۵۱ بررسی عوامل اثرگذار بر سبک زندگی متأهلین در شهر تهران

اشتراکی است. میانگین همگونی با همسر بالاتر از میزان متوسط و میانگین نگرش‌های جنسیتی، تضاد کار با خانواده پایین‌تر از میزان متوسط می‌باشد.

یافته‌های تحلیلی

در تحلیل چند متغیره ۱۱ متغیر عامل جنسیت، تحصیلات، درآمد، داشتن فرزند، مدت زمان زناشویی، نگرش‌های جنسیتی، همگونی با همسر در بدو ازدواج، همگونی با همسر در حال حاضر، تفاوت در تحصیلات، تفاوت در درآمد، تضاد کار با خانواده (منطبق با ۱۱ فرضیه مطرح شده) وارد مدل رگرسیونی شد. نتایج مدل رگرسیون به روش گام به گام^۱ در جدول ۳ آورده شده است. چنانکه ذکر شد، متغیر وابسته سبک زندگی متأهلین است که با ۵ بعد دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی سنجیده شده است.

جدول ۳: تحلیل چندمتغیره تعیین کننده‌های سبک زندگی اشتراکی متأهلین به روش گام به گام^۲

تعیین کننده‌ها	دیدار اجتماعی	گذران زمان خارج از خانه	گذران زمان در خانه	گفت‌وگو با همسر	هزینه کرد مالی
	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta
جنسیت (مرد)	- ۰/۱۳۷	- ۰/۰۵۷	- ۰/۲۵۲	- ۰/۱۳۹	
تحصیلات		۰/۱۱۰		۰/۱۳۴	۰/۰۷۴
درآمد	۰/۱۰۲		- ۰/۰۶۹	- ۰/۰۸۷	
فرزند				۰/۱۲۱	
مدت زمان زناشویی		- ۰/۰۶۷	۰/۰۹۰		
نگرش جنسیتی	- ۰/۳۰۶	- ۰/۱۴۳	- ۰/۱۶۳	- ۰/۱۵۶	- ۰/۰۷۷
همگونی با همسر در بدو ازدواج	۰/۱۷۷	۰/۰۹۳	۰/۱۵۲	۰/۲۲۷	
همگونی با همسر در حال حاضر	۰/۲۴۱	۰/۳۰۷	۰/۲۲۰	۰/۲۳۵	۰/۲۶۱
تفاوت تحصیلات					
تفاوت در درآمد	۰/۰۴۷	۰/۱۰۲	- ۰/۱۴۵	- ۰/۱۰۲	- ۰/۱۴۸
تضاد کار با خانواده		- ۰/۰۵۳	۰/۰۷۸	۰/۰۹۵	
F	۱۱۹/۰۷۵	۵۷/۳۰۵	۴۵/۰۹۷	۴۸/۷۹۳	۴۹/۳۹۶
p مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
R	۰/۵۴۶	۰/۴۶۳	۰/۴۲۰	۰/۴۵۵	۰/۳۲۴
R Square	۰/۲۹۸	۰/۲۱۴	۰/۱۷۶	۰/۲۰۷	۰/۱۰۵
Adjusted R Square	۰/۲۹۵	۰/۲۱۰	۰/۱۷۳	۰/۲۰۳	۰/۱۰۳

1- Stepwise

۲- از آن جا که ابعاد مختلف سبک زندگی متأهلین به شکل‌های متفاوت متأثر از ۱۱ عامل مذکور هستند بنابراین همه‌ی عوامل در جدول رگرسیونی آورده شده و خانه‌های خالی در هر بعد نشان دهنده این است که عامل مذکور در آن بعد، در رگرسیون گام به گام معنادار نشده است.

چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود می‌بینیم همگونی با همسر در بدو ازدواج، در حال حاضر تعیین‌کننده‌های با اهمیتی در تبیین سبک زندگی متأهلین است. به تعبیر دیگر هر چه فرد همگونی بیشتری با همسر خود داشته باشد، هزینه‌های فعالیت اشتراکی کمتر از فواید آن بوده و افراد به سمت سبک زندگی اشتراکی سوق داده می‌شوند. بنابراین دو فرضیه‌ی تأثیر همگونی با همسر در بدو ازدواج و همگونی با همسر در حال حاضر بر سبک زندگی متأهلین تأیید می‌شود.

همچنین این جدول نشان می‌دهد هر چه نگرش‌های جنسیتی سنتی‌تر باشد فعالیت‌های اشتراکی با همسر کمتر می‌شود. نگرش‌های جنسیتی در واقع قرار دادن مرزی به نام جنسیت در بیان پدیده‌های اجتماعی است و جنسیت است که مشخص می‌کند چه کسی برای سیاست، تحصیل، اشتغال یا برای خانه‌داری مناسب‌تر است؟. بنابراین فرضیه تأثیر نگرش‌های جنسیتی بر سبک زندگی متأهلین تأیید می‌شود. هر چه متأهلین نگرش‌های جنسیتی سنتی‌تری داشته باشند فعالیت‌های اشتراکی با همسر کمتر خواهند بود و برابری جنسیتی، افراد را به سمت فعالیت‌های اشتراکی بیشتر سوق خواهد داد. چنانکه می‌بینیم همگونی با همسر و نگرش‌های جنسیتی بیشترین تأثیر را بر سبک زندگی متأهلین دارند.

همچنین جدول ۳ نشان می‌دهد درآمد و تفاوت در درآمد، تضاد کار با خانواده و مدت زمان زناشویی نقش دوگانه‌ای در ابعاد مختلف سبک زندگی متأهلین دارند. اگر چه با افزایش درآمد، فعالیت اشتراکی فرد با همسر در دیدار اجتماعی افزایش می‌یابد اما درآمدهای بالاتر، گذران زمان در خانه و گفت‌وگو با همسر را کاهش می‌دهد. همچنین هر چه تفاوت درآمد میان همسران بیشتر باشد فعالیت‌های اشتراکی در دیدار اجتماعی و گذران زمان خارج از خانه که از عمق کمتر ارتباط و نظارت اجتماعی بیشتر برخوردار است، بیشتر بوده و این تفاوت بر فعالیت‌های اشتراکی در گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی که از عمق بیشتر و نظارت اجتماعی کمتری برخوردار است تأثیر منفی دارد. به نظر می‌رسد در دو بعد اول (دیدار اجتماعی و گذران زمان خارج از خانه) برآیند سود و زیان حاصل از فعالیت‌های اشتراکی فرد را به سوی سبک زندگی اشتراکی و در دیگر بعدها به سوی سبک زندگی متمایز سوق می‌دهد. بنابراین فرضیه تأثیر تفاوت در درآمد بر سبک زندگی متأهلین، پذیرفته می‌شود اما تأثیر آن در ابعاد مختلف سبک زندگی اشتراکی متأهلین همانند نبوده، در برخی ابعاد کاهش دهنده و در برخی ابعاد افزایش دهنده بوده است.

چنانکه می بینیم زنان در ابعاد دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و گفت و گو با همسر، فعالیت های اشتراکی کمتری را گزارش کرده اند و بنابراین فرضیه تأثیر جنسیت بر سبک زندگی متأهلین در دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و گفت و گو با همسر پذیرفته می شود. البته چنانکه در پژوهش سبک زندگی متأهلین و تعیین کننده های آن بحث شده است، فعالیت های اشتراکی با همسر برای زنان با نشاط زناشویی بیشتر و تمایل به طلاق کمتر همراه است و زنان در صورت داشتن فعالیت های اشتراکی با همسر، از زندگی زناشویی نشاط بیشتری دارند؛ بنابراین می توان گفت گزارش کمتر زنان در فعالیت های اشتراکی با همسر، به اهمیت بیشتر کنش های اشتراکی در زنان و امکان تحقق کمتر آن در برخی ابعاد برمی گردد (مدیری، ۱۳۹۴).

همچنین نتایج نشان می دهد با افزایش تحصیلات فعالیت های اشتراکی با همسر در سه بعد گذران زمان خارج از خانه، گفت و گو با همسر و هزینه کرد مالی در سطح معنادار افزایش می یابد و تفاوت در تحصیلات بر سبک زندگی انتخابی (اشتراکی، متمایز یا بینابینی) تأثیری ندارد. بنابراین بخشی از فرضیه تأثیر تحصیلات بر سبک زندگی متأهلین پذیرفته شده و فرضیه تأثیر تفاوت در تحصیلات بر سبک زندگی متأهلین پذیرفته نمی شود.

همچنین نتایج جدول ۳ نقش دوگانه تضاد کار با خانواده و مدت زمان زناشویی را نشان می دهد. تضاد کار با خانواده گذران زمان در خارج از خانه را کاهش داده لیکن فعالیت های اشتراکی با همسر در گذران زمان در خانه و گفت و گو با همسر را افزایش می دهد و با افزایش مدت زمان زناشویی گذران زمان با همسر در خارج از خانه کاهش و گذران زمان با همسر در خانه افزایش یافته است.

لازم به ذکر است که این متغیرها بیشترین توان تبیین را در فعالیت های اشتراکی با همسر در دیدار اجتماعی (۲۹/۵ درصد) و کمترین توان تبیین را در هزینه کرد مالی (۱۰/۳ درصد) دارد. بنابراین فعالیت های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف یکسان نبوده و متأثر از عوامل مختلف است و شدت تأثیر عوامل اثرگذار نیز در ابعاد مختلف متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیقات در حوزه‌ی کمیت و کیفیت روابط همسران در طول زندگی زناشویی اندک بوده و عمدتاً در جامعه ما مغفول مانده است. از طرفی همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر و نشاط زناشویی در مطالعات متعدد تأیید شده و بنابراین شناسایی عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر از اهمیت وافر برخوردار است که ما در این تحقیق به این مهم در ابعاد مختلف زندگی روزمره با عنوان سبک زندگی متأهلین پرداخته‌ایم. بر این اساس، این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که علی‌رغم مطالعات فراوان که نشان از پیامدهای مثبت اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و روانی در سبک زندگی اشتراکی دارد، چرا برخی سبک زندگی متمایز را بر سبک زندگی اشتراکی ترجیح می‌دهند؟ و سبک زندگی در گروه‌های مختلف اجتماعی چگونه است؟

بررسی پیشینه‌ی مطالعات انجام شده نشان داد، عمدتاً فعالیت‌های اشتراکی میان همسران در ابعاد محدود و بیشتر در اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفته و ما در این تحقیق ابعاد وسیع‌تری از فعالیت‌های اشتراکی متأهلین را مطالعه کردیم. جامعه آماری این پژوهش مقطعی، با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت، افراد متأهل شهر تهران بوده و نمونه‌ها با در نظر گرفتن جمعیت هر منطقه و حوزه به شکل تصادفی از میان ۵۰ حوزه انتخاب شدند و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه در تجزیه تحلیل نهایی به کار گرفته شد. نتایج این تحقیق نشان داد:

همگونی با همسر در بدو ازدواج و در زندگی زناشویی بر سبک زندگی متأهلین اثرگذار است. مشابه این یافته در تحقیق کالمین (۲۰۰۱)، بکر و لوئیس (۲۰۱۰)، و گلر (۲۰۰۸)، صادقی فسائی و ملکی‌پور (۱۳۹۲) دیده شد. این یافته لزوم توجه به همسان همسری در ازدواج را نشان می‌دهد. اگر زوجین تشابه بیشتری به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در بدو ازدواج داشته باشند، فعالیت‌های اشتراکی بیشتری با همسر داشته و بنابراین زمینه پایداری خانواده بیشتر فراهم می‌شود. همچنین همگونی با همسر در حال حاضر (توافق با همسر در زندگی زناشویی) بر سبک زندگی متأهلین اثر مثبت دارد و بنابراین همسران با ایجاد توافق در موضوعات مختلف می‌توانند شرایط زندگی پایدار زناشویی را فراهم آورند. تئوری مبادله به محاسبه سود و زیان توسط کنشگران اجتماعی اشاره کرده و بر اساس این تئوری کمترین زیان و بیشترین پاداش در شرایط برابر و همگون کنشگران اجتماعی به دست می‌آید.

نگرش‌های جنسیتی سنتی بر سبک زندگی متأهلین تأثیر منفی دارد. گفتیم نگرش‌های جنسیتی در واقع، قرار دادن مرزی به نام جنسیت در بیان پدیده‌های اجتماعی است. در نگرش‌های جنسیتی، جنسیت است که مشخص می‌کند که چه کسی برای سیاست، تحصیل، اشتغال یا برای خانه‌داری مناسب‌تر است؟. به شکل سنتی اعتقاد بر این بوده که زنان فقط به امر خانه‌داری و فرزندآوری و تربیت و پرورش فرزندان بپردازند و مردان امور سیاسی و اجتماعی را بر عهده داشته باشند. تغییرات دهه‌های اخیر و توفیق‌هایی که زنان در امور اجتماعی کسب کرده‌اند موجب شده این مرز کمرنگ شود و در کشورهای مختلف و در گروه‌های اجتماعی مختلف نگرش‌های متفاوتی در این حوزه وجود داشته باشد. تحقیقات مختلف تأثیر نگرش‌های جنسیتی در روابط همسران را به شکل‌های متفاوت گزارش کرده‌اند. کالمین (۲۰۰۱) با این فرض که نگرش‌های جنسیتی سنتی به تمایز فعالیت‌های همسران در اوقات فراغت منجر خواهد شد، نتیجه گرفته که این اثرگذاری ضعیف بوده و اهمیت چندانی ندارد. وگلر (۲۰۰۸) نشان داده که نگرش‌های جنسیتی سنتی به اشتراک همسران منجر خواهد شد و هزینه کرد مالی اشتراکی در برابرطلبی‌های جنسیتی کمتر است. صادقی فسائی و ملکی‌پور (۱۳۹۲) همخوان با این تحقیق نشان داده، هر چه نگرش‌های جنسیتی سنتی در افراد بیشتر باشد فاصله میان زوجین بیشتر است. در این تحقیق دیدیم هر چه افراد نگرش‌های جنسیتی سنتی‌تری داشته باشند فعالیت‌های اشتراکی با همسر در آن‌ها کمتر است و برابرطلبی جنسیتی، فعالیت‌های اشتراکی با همسر را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تغییرات فرهنگی در جامعه ما به سمت مدرنیته، در جهت انسجام خانواده و افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر به کار گرفته شده است.

بالا رفتن سطح تحصیلات فعالیت‌های اشتراکی با همسر (در گذران زمان خارج خانه، گفت‌وگو با همسر، هزینه کرد مالی) را افزایش می‌دهد. گفتیم تحصیلات به عنوان سرمایه فرهنگی رفتارها و کنش‌های افراد را شکل داده و نقش تعیین‌کننده‌ای در سبک زندگی متأهلین بازی می‌کند. تأثیر تحصیلات بر سبک زندگی متأهلین با تئوری سرمایه فرهنگی بوردیو و تحقیقات هیل (۱۹۸۸)، فن (۲۰۰۹)، داردیس (۱۹۹۳)؛ آلدورف (۲۰۱۲)، کینگستون (۱۹۸۷)، میلر (۱۹۷۶)، ریسمن (۱۹۹۳)، بات "کالمین ۲۰۰۱"، صادقی فسائی و ملکی‌پور (۱۳۹۲) و منادی (۱۳۸۵) همخوان است.

درآمد و تفاوت در درآمد بر سبک زندگی متاهلین تأثیر دوگانه‌ای دارند. از یک طرف افزایش درآمد، فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در دیدار اجتماعی افزایش می‌دهد و از طرف دیگر با افزایش درآمد، گذران زمان در خانه و گفت‌وگو با همسر کاهش می‌یابد. همچنین هر چه تفاوت در درآمد میان همسران بیشتر باشد، فعالیت‌های اشتراکی در دیدار اجتماعی و گذران زمان خارج از خانه که از عمق کمتر ارتباط و نظارت اجتماعی بیشتر برخوردار است، بیشتر شده و این تفاوت بر فعالیت‌های اشتراکی در گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی که از عمق بیشتر و نظارت اجتماعی کمتری برخوردار است، تأثیر منفی دارد. به نظر می‌رسد در دو بعد اول برآیند سود و زیان حاصل از فعالیت‌های اشتراکی فرد را به سوی سبک زندگی اشتراکی سوق می‌دهد و در دیگر ابعاد فرد به سوی سبک زندگی متمایز هدایت می‌شود. این یافته نشان می‌دهد هر چه تفاوت در درآمد میان همسران کمتر باشد فعالیت‌های اشتراکی با همسر افزایش می‌یابد و توجه به این موضوع، در درآمدهای بالا از اهمیت بیشتری برخوردار است. تأثیر درآمد بر سبک زندگی متاهلین در تحقیقات با نتایج مختلف گزارش شده است. اثر مثبت درآمد بر سبک زندگی متاهلین در تئوری‌های اقتصاد خانه‌ی جدید و همچنین تحقیق "کینگستون (۱۹۸۷)؛ میلر (۱۹۷۶)؛ هیل (۱۹۸۸)؛ ریسمن (۱۹۹۳)؛ بات" (کالمین، ۲۰۰۱)؛ فن (۲۰۰۹)؛ داردیس (۱۹۹۳)؛ آلدورف (۲۰۱۲) تأیید شده است. وایت^۱ (۱۹۸۳) نشان داده تعامل میان زوجین با درآمد ارتباط ندارد و ما در این تحقیق نشان دادیم که درآمد بر سبک زندگی متاهلین در ابعاد مختلف تأثیر متفاوت دارد. بر خلاف تفاوت در درآمد که به اشکال مختلف بر سبک زندگی متاهلین اثرگذار است، این تحقیق نشان داد که تفاوت در تحصیلات بر سبک زندگی متاهلین اثر معناداری نداشته و بنابراین تأثیر درآمد بر روابط همسران بیش از تحصیلات است.

جنسیت نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در سبک زندگی متاهلین است. زنان فعالیت‌های اشتراکی با همسر را کمتر گزارش کرده‌اند. البته چنانکه پیشتر نیز گفتیم، نتایج تحقیقات ما نشان داده فعالیت‌های اشتراکی با همسر برای زنان با نشاط زناشویی بیشتری همراه است و زنان در صورت داشتن کنش‌های اشتراکی با همسر از زندگی زناشویی خود نشاط بیشتری دارند و

بنابراین می توان گفت گزارش کمتر زنان در تعامل با همسر به اهمیت بیشتر فعالیت های اشتراکی برای زنان و امکان تحقق کمتر آن در برخی ابعاد برمی گردد (مدیری، ۱۳۹۴).

داشتن فرزند بر گفت وگو با همسر تأثیر مثبت دارد. این گفت وگو می تواند زمینه همدلی بیشتر فرد با همسر و انسجام خانوادگی را فراهم کند. تئوری مبادله، هیل (۱۹۸۸)، کالمین (۲۰۰۱)، صادقی، فسائی و ملکی پور (۱۳۹۲) نشان دادند، داشتن فرزند بر فعالیت های اشتراکی تأثیر مثبتی دارد و نتایج این تحقیقات با این تحقیق در بعد گفت وگو با همسر همخوان است. وایت (۱۹۸۳)، فن (۲۰۰۹)، مک هال (۱۹۸۵) نشان دادند داشتن فرزند وابسته با کاهش کنش های اشتراکی در گذران زمان همراه است و کینگستون (۱۹۸۷) نیز نشان داده وجود فرزندان در گذران زمان و فعالیت های اشتراکی زوجین تأثیری ندارد.

تضاد کار با خانواده، گذران زمان با همسر در خارج از خانه را کاهش داده لیکن فعالیت های اشتراکی با همسر در گذران زمان در خانه و در گفت وگو با همسر را افزایش می دهد. به نظر می رسد افراد با گفت وگویی بیشتر و با افزایش گذران زمان اشتراکی در خانه تلاش می کنند فاصله ی ایجاد شده در گذران زمان خارج از خانه را ترمیم کنند. کالمین (۲۰۰۱) نیز نشان داده بود که فشارهای محیط کار بر کنش های اشتراکی زنان اثر کاهنده دارد. مدت زمان زناشویی نیز بر سبک زندگی متأهلین تأثیر دوگانه دارد. با افزایش مدت زمان زناشویی گذران زمان با همسر در خارج از خانه کاهش یافته است. می توان این یافته را با گسترش شبکه اجتماعی با همالان در افراد سالمند توجیه کرد. با افزایش مدت زمان زناشویی گذران زمان با همسر در خانه افزایش یافته است. این یافته نشان می دهد فعالیت های اشتراکی با همسر معطوف به موقعیت نیز هست؛ به عنوان مثال با افزایش مدت زمان زناشویی که افراد بیشتر در خانه می مانند و شاید توان فیزیکی کمتری برای گذران زمان خارج از خانه داشته باشند، گذران زمان با همسر در خانه افزایش می یابد. کینگستون (۱۹۸۷)، کالمین (۲۰۰۱) و صادقی، فسائی و ملکی پور (۱۳۹۲) نشان داده بودند، فعالیت های اشتراکی زوجین با مدت زمان زناشویی رابطه مثبت دارد. میلر (۱۹۷۶) رابطه U شکل افزایش روابط در مراحل اول و آخر ازدواج و کاهش روابط را در میانه زندگی زناشویی نشان داده بود.

فعالیت های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف یکسان نبوده و متأثر از عوامل مختلف است و شدت تأثیر عوامل اثرگذار نیز در ابعاد مختلف متفاوت است. همگونی با همسر و

نگرش‌های جنسیتی بیشترین سهم را در تبیین سبک زندگی متأهلین دارند و سهم مؤلفه‌های مرتبط با چرخه زندگی اندک است. این مدل بیشترین توان تبیین را در فعالیت‌های اشتراکی با همسر در دیدار اجتماعی (۲۹/۵ درصد) و کمترین توان تبیین را در هزینه کرد مالی (۱۰/۳ درصد) داراست.

بطور کلی می‌توان گفت عدم همگونی با همسر در بدو ازدواج، عدم همگونی با همسر در حال حاضر، نگرش‌های جنسیتی سنتی و تحصیلات پایین‌تر، مهم‌ترین عواملی هستند که افراد را به سمت انتخاب سبک زندگی متمایز سوق می‌دهند. در پایان با توجه به تعیین‌کننده‌های سبک زندگی متأهلین پیشنهادات و راهکارها در دو سطح خرد و کلان قابل طرح است:

- آموزش به افراد: آموزش در این حوزه تنها به افراد متأهل اختصاص نمی‌یابد، بلکه افراد مجرد نیز باید آگاهی یابند که در همسرگزینی باید به چه نکاتی توجه داشته باشند. همگونی در بدو ازدواج و توجه به همسان همسری می‌تواند هزینه‌های فعالیت‌های اشتراکی را به حداقل رسانده و افزایش نشاط زناشویی و پایداری خانواده را در پی داشته باشد. اگر زوجین تشابه بیشتری به لحاظ فرهنگی اجتماعی اقتصادی و همچنین تفاوت کمتری در درآمد داشته باشند، زمینه پایداری خانواده بیشتر فراهم می‌شود. همچنین باید اثرات سازش و توافق دو جانبه در زندگی مشترک آموزش داده شود تا شرایط افزایش فعالیت‌های اشتراکی فراهم آید. علاوه بر آن باید همسران به اهمیت فعالیت‌های اشتراکی با یکدیگر در ابعاد مختلف پی ببرند و به این موضوع اهمیت دهند.

- در سطح خرد و کلان باید دانست نگرش‌های برابرطلبانه با افزایش فعالیت‌های اشتراکی با همسر ارتباط دارد. افراد متأهل باید بدانند که وجود نگرش‌های جنسیتی سنتی در خانواده با فعالیت‌های اشتراکی رابطه معکوس دارد و بسط نگرش‌های برابرطلبانه آسیبی برای انسجام خانواده به دنبال نخواهد داشت و هر چه نگرش‌های جنسیتی کمتر تفکیک شده‌ای داشته باشند، فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف افزایش خواهد یافت. همچنین برنامه‌ریزان اجتماعی نباید از بروز و بسط نگرش‌های جدید برابرطلبانه هراس داشته باشند. خانواده‌مدار بودن ایرانیان موجب شده، این تغییرات در مسیر انسجام خانواده و افزایش فعالیت‌های اشتراکی به کار گرفته شود و گسترش نگرش‌های برابرطلبانه آسیبی برای تداوم خانواده نخواهد بود.

- برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت بهینه کردن وضعیت اشتغال، درآمد و تحصیلات و توانمندسازی زنان انجام شود. در این تحقیق دیدیم، افزایش تحصیلات بر ابعاد مختلف سبک زندگی متأهلین اثرگذار بوده و با افزایش درآمد فعالیت‌های اشتراکی با همسر در دیدار اجتماعی افزایش می‌یافت. اثرات نامطلوب درآمد بالا بر سبک زندگی متأهلین با توانمندسازی زنان و کاهش تفاوت در درآمد همسران اصلاح خواهد شد. اگر سیاست‌های دولت بر این اساس تنظیم شود، تداوم و استمرار خانواده بیشتر تحقق می‌یابد.

- اصلاح ساختار شغلی نیز در جامعه ضروری است. از یک طرف باید دسترسی همگانی به شغل وجود داشته باشد و از طرف دیگر نیاز است فشارهای کاری حتی المقدور کاهش یابد. اگرچه نهاد خانواده خود قادر به ترمیم برخی مشکلات ناشی از فشار محیط کار است، اما با کاهش تضاد محیط کار با خانواده، گذران زمان اشتراکی همسران افزایش خواهد یافت. ساعات کار طولانی، کار در پایان هفته و کار در شیفت شب می‌توانند موانعی در فعالیت‌های اشتراکی با همسر در گذران زمان باشند.

- همچنین در حوزه مطالعاتی، انجام تحلیل زوجی در روابط همسران، بررسی روابط زوجین در ابعاد دیگر، بررسی کیفیت زندگی زناشویی، مطالعه کیفی سبک زندگی متأهلین، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سبک زندگی متأهلین، بررسی تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی متأهلین، مقایسه سبک زندگی متأهلین در خانواده‌های تک‌ن‌آور و دو‌ن‌آور پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آزادارمکی، تقی و محمدحسین شریفی ساعی (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، *خانواده پژوهی*، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۴۶۲-۴۳۵.
- آزادارمکی، تقی، فاطمه مدیری و عارف وکیلی (۱۳۸۹). *فروپاشی خانواده یا تغییرات بنیادی، خانواده و پژوهش*، شماره ۱، صص ۸۵-۶۳.
- حبیب پور، کرم و رضا صفری (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی)*، تهران: لویه، متفکران.
- صادقی فسائی، سهیلا و زینب ملکی پور (۱۳۹۲). تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه های شکل گیری، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۸-۱.
- مدیری، فاطمه و محمدصادق مهدوی (۱۳۹۴). ارزش های پست مدرن خانوادگی در شهر تهران، *خانواده پژوهی*، دوره یازدهم، شماره ۴۳، صص ۲۹۶-۲۸۱.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۴). سبک زندگی متأهلین و تعیین کننده های آن در شهر تهران، طرح پژوهشی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور و معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰*، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (بی تا). *طبقه بندی سطوح آموزشی و رشته های تحصیلی ایران*.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه شناسی خانواده: تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده*، تهران: دانژه.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۴). مدیریت زمان در خانواده های طبقات متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، *خانواده پژوهی*، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۷۷-۱۶۱.

Allendorf, K. (2012). Determinants of Marital Quality in an Arranged Marriage Society, Population Studies Center Research Report 12-758, nepdjc@isr.umich.edu.

Becker, O., A. Lois and D. (2010). Selection, Alignment, and Their Interplay: Origins of Lifestyle Homogamy in Couple Relationships, *Journal of Marriage and Family*, 72: pp. 1234 – 1248.

Bott, Elizabeth (1995). Conjugal Roles and Social Network, *Human Relations*, 8: pp. 323- 350.

- Britt, S., E. Grable, S. Nelson Goff; and M. White (2008). The Influence of Perceived Spending Behaviors on Relationship Satisfaction, *Financial Counseling and Planning*, Volume 19(1): 31-43.
- Dardis, R., S. Horacio and P. Dilip (1993). Analysis of Leisure Expenditures in the united State, The Proceeding of the American Council on Consumer Interests, Vol 3, pp. 194-200.
- Fein, D. J. (2009). Spending Time together: for Economically Disadvantaged and Nondisadvantaged, www.fragiefamilies.princeton.edu.
- Flood, S. M., K.R. Genadek (2013). Time For Each Other: Work and Family Constraints Among Couples, *Journal of Marriage and Family*, 78(1): 142-164.
- Glick, P.; Fiske, S. T(1996). The Ambivalent Sexism Inventory: Differentiating hostile and benevolent sexism, *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, pp. 491-512.
- Guzman, L. (2000). Effects of Wives, Employment on Marital Quality, NSFH Working Paper, NO. 85.
- Hill, M. S. (1988). Marital Stability and Spouses Shared Time, *Family Issues*,9(4): 427- 451.
- Kalmijn, Matthijs(2001). Joint and Separated Lifestyles in Couple Relationships, *Marriage and Family*, 63: pp.639-654.
- Kim, H.j and J. B. Stiff (1991). Social Network and the Development of Close Relationships, *Human Communication Research*, 18 (1): PP 70-91.
- Kopelman, R. E., J .H. Greenhaus, and T. F. Connolly (1983). A Model of Work, Family, and Interrole Conflict: A Construct Validation Study. *Organizational Behavior and Human Performance*, 32, pp.198-215.
- Knowles, S.(2004). Marital Satisfaction, Shared Leisure and Leisure Satisfaction in Married Couples with Adolescents, (Thesis of master degree), Oklahoma State University.
- Lavee, Y. and A. Ben-Ari (2007). Relationship of Dyadic Closeness with Work-Related Stress: A Daily Diary Study, *Marriage and Family*, 69 , pp. 1021-1035.
- Locksley, A. (1980). On the Effects of Wives Employment on Marital Adjustment and Companionship, *Marriage and Family*, 42(2): pp. 337-346.

- Spence, J.T and R.L. Helmreich (1972). The Attitudes Toward Women Scale: an Objective Instrument to Measure Attitudes Toward the Rights and Roles of Women in Contemporary Society, *JSAS Cat, Select Doc. Psychol.* 2, pp.66-7.
- Swim, J. K., K. J.Aikin, W. S. Hall, B. A.Hunter (1995). Sexism and Racism: Old-Fashioned and Modern Prejudices, *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(2): 199-214.
- Vogler, C., C. Lyontte and R.D.Wiggings (2008). Money, Power and Spending Decisions in Intimate Relationships, *The Sociological Review*, 56(1): PP 117-143.
- White, L. K. (1983). Determinants of Spousal Interaction: Marital Structure or Marital Happiness, *Marriage and Family*, Vol 45, pp. 511-519.